

نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی

بیژن عباسی*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۲۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۲/۱۲)

چکیده:

انتخابات و برگزیده شدن مقامات عمومی، دولتمردان، نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای محلی توسط مردم از لوازم ضروری مردمسالاری است. نمی‌توان کشوری را یافت که مدعی دموکراسی باشد ولی نهادهایی همانند انتخابات و همه پرسی در آن وجود نداشته باشد. با این همه، شیوه‌ی انتخاب زمامداران بوسیله‌ی مردم در همه جا یکسان نیست. در پاره‌ای از کشورها کافی است نامزد انتخابات بیشترین رای را به دست آورد تا برنده‌ی انتخابات گردد (نظام انتخابات اکثریتی). در همین روش ممکن است انتخابات تک نام یا چندنام و یا یک مرحله‌ای و دومرحله‌ای باشد. در حالی که در دیگر کشورها، سامانه‌ی انتخاباتی به گونه‌ای است که هدف از پایه‌ریزی آن، دادن کرسی یا کرسی‌هایی از مجلس یا شورای محلی به هر حزب و گروه سیاسی حاضر در انتخابات است به تناسب آرای که به دست آورده است (نظام انتخابات تناسبی). در این مقاله، این نظام‌های انتخاباتی و تفاوت‌های میان آنها، ویژگی‌های هر یک و آثاری که می‌توانند بر نظام سیاسی و شمار احزاب سیاسی بگذارند مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

نظام انتخاباتی - نظام اکثریتی - انتخابات تک نام و فهرستی - انتخابات یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای - نظام تناسبی - ضریب انتخاباتی - نظام دو حزبی - نظام چند حزبی.

Email: bizhan_abbasy@yahoo.com

* فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

درآمد

مردمسالاری بر پایه‌ی انتخاب نمایندگان توسط شهروندان استوار است که از جانب و به جای آنها به اعمال قدرت و حاکمیت می‌پردازند. انتخابات یکی از روش‌های رای دادن به منظور برگزیدن زمامداران به صورت مردمسالار است. در واقع، وجود انتخابات رقابتی و قدرت انتخاب یکی از شرایط مردمسالاری است. انتخابات متکی بر دادن حق رای به شهروندان، اجرای انتخابات و تعیین یک نظام انتخاباتی است.

انتخابات بر اساس شیوه‌های فنی گوناگونی موسوم به نظام‌ها یا سامانه‌های انتخاباتی انجام می‌شود. نظام انتخاباتی قواعد فنی برای انتخاب داوطلبان به عنوان نماینده در یک انتخابات است. برابر این نظام‌ها، شیوه‌های اعمال حق رای، روش‌های محاسبه‌ی نتایج انتخابات و مبانی که بر اساس آن کرسی‌های مورد رقابت در انتخابات تقسیم می‌شوند مشخص می‌گردد.

گفتنی است که معمولاً نوع نظام انتخاباتی در قانون اساسی ذکر نمی‌شود بلکه این امر در اختیار قوه‌ی مقننه قرار می‌گیرد تا از راه وضع قانون عادی در این باره تعیین تکلیف نماید. برحسب این که در امر انتخابات و نمایندگی کارآمدی و یا عدالت و انصاف انتخاباتی را مد نظر قرار دهیم دو سامانه‌ی انتخاباتی اکثریتی و تناسبی در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. این نظام‌های انتخاباتی با توجه به معیار آرای لازم برای انتخاب یک نماینده از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

ریشه‌ی نظام انتخاباتی اکثریتی به گذشته‌های دور بر می‌گردد. از این نظام در یونان باستان و در سده‌های میانه (قرون وسطا) برای نخستین بار توسط سیمون دو مونفورت (Simon de Montfort) در سال ۱۲۶۵ میلادی برای انتخابات مجلس بریتانیا استفاده شد. تا اواخر سده‌ی نوزدهم نظام انتخاباتی پذیرفته شده در جهان نظام اکثریتی یک مرحله‌ای رایج در کشور اخیر بود. نظام انتخاباتی تناسبی در اواخر سده‌ی نوزدهم بوسیله‌ی هوندت (Hondt) ریاضی دان بلژیکی ابداع و برای نخستین بار در کشور وی در سال ۱۸۹۹ به تصویب رسید (GICQUEL, 1987, p. 177). پس از این تاریخ، نظام تناسبی مورد پذیرش بسیاری از کشورها قرار گرفت. گفتنی است که گاه برخی از دولت‌ها همانند آلمان و ایتالیا این دو نظام انتخاباتی را در هم آمیخته و به سامانه‌ی انتخاباتی مختلط یا آمیخته روی آورده‌اند.

یکی از مسایل سنتی حقوق اساسی بحث درباره‌ی ویژگی‌ها، معایب و مزایای هر یک از این سامانه‌های انتخاباتی است. انتخاب هر یک از آنها دارای آثار و پیامدهای متفاوتی می‌باشد. نظام‌های انتخاباتی پذیرفته شده نه تنها بر برگزیدن نمایندگان بلکه بر ماهیت، شمار احزاب سیاسی و بویژه بر نظام سیاسی نیز تاثیر می‌گذارد. در این مقاله به نقد و بررسی هر یک

از نظام‌های انتخاباتی اکثریتی (گفتار نخست) و تناسبی (گفتار دوم) و آثار و ویژگی‌های هر یک از آنها (گفتار سوم) می‌پردازیم.

گفتار نخست - نظام انتخاباتی اکثریتی

ساده‌ترین سامانه‌ی انتخاباتی، انتخابات اکثریتی است. در این روش برای انتخابات مجلس یا نهادهای دیگر، سرزمین کشور به شماری حوزه‌ی انتخاباتی که چارچوب و قلمرو سرزمینی رقابت داوطلبان است تقسیم می‌شود و مردم هر یک از این حوزه‌ها حق انتخاب یک یا چند نماینده را دارند. در این شیوه، نامزد یا فهرستی انتخاب می‌شود و یک یا همه‌ی کرسی‌های خالی را کسب می‌کند که بیشترین آرا را به دست آورده باشد. هنگامی که یک کرسی خالی وجود دارد یک برنده خواهیم داشت و بقیه بازنده‌اند و در صورت وجود چند کرسی خالی در آن حوزه، فهرستی که در صدر است صاحب همه‌ی کرسی‌ها می‌شود و فهرست‌های دیگر هیچ کرسی نخواهند داشت. اکنون در جهان نود و هفت کشور به نحوی از این نظام انتخاباتی بهره می‌گیرند.

انتخابات اکثریتی خود می‌تواند شیوه‌های گوناگونی را در برگیرد. این روش‌ها عبارتند از انتخابات تکنام یا فهرستی (الف) و انتخابات یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای (ب).

الف - انتخابات تکنام و فهرستی

تفاوت میان انتخابات تکنام و فهرستی نه تنها با توجه به ملاک شمار کرسی‌ها و نمایندگان یک حوزه‌ی انتخاباتی بلکه بویژه در وسعت آن حوزه می‌باشد.

انتخابات تکنام هنگامی است که در یک حوزه‌ی انتخابیه برگه‌ی رای تنها حاوی یک نام است و رای دهنده در آن حوزه فقط به انتخاب یک نماینده می‌پردازد. در این صورت، به شمار نمایندگان و کرسی‌های مجلس، حوزه‌های انتخاباتی خواهیم داشت. بنابراین، این شیوه در حوزه‌های انتخاباتی کوچک و دارای تنها یک کرسی اجرا می‌شود.

در انتخابات مجلس قانون‌گذاری بی شک هر حوزه‌ی انتخاباتی بخش کوچکی از سرزمین کشور را در برمی‌گیرد ولی برای انتخابات ریاست جمهوری، حوزه‌ی انتخاباتی، سراسر کشور است.

در فرانسه انتخابات تکنام برای مدت مدید در دوره‌ی جمهوری سوم (۱۹۴۰-۱۸۷۰) و در جمهوری پنجم (از سال ۱۹۵۸ تاکنون) برای انتخاب نمایندگان مجلس ملی استفاده می‌شود. در این دوره‌ها حوزه‌ی انتخاباتی نیز یک ناحیه (arrondissement) بوده است.

ولی انتخابات فهرستی یا چندنام هنگامی است که در یک حوزه‌ی انتخابیه برگه‌ی رای حاوی چند نام یا یک فهرست است و رای دهنده باید دو یا چند نماینده را برگزیند. بنابراین این‌گونه انتخابات در حوزه‌های انتخاباتی بزرگ تر و وسیع تر از انتخابات تکنام (جز برای انتخابات ریاست جمهوری) برگزار می‌شود. در فرانسه هنگامی که حوزه‌ی انتخاباتی یک شهرستان (Département) یا یک استان (Région) است از انتخابات فهرستی استفاده می‌شود (JACQUE, 2003, p. 37). برای انتخابات پارلمان اروپا، حوزه‌های انتخاباتی متعدد که هر یک متشکل از چند استان است و منطقه نامیده می‌شود، وجود دارد.

پس در انتخابات فهرستی در هر حوزه‌ی انتخاباتی چند نماینده انتخاب می‌گردد. در این حالت، اصطلاحاً گفته می‌شود که چند کرسی برای پر شدن وجود دارد. در نتیجه، نامزدها در فهرست‌هایی به صورت گروهی که هر فهرست دارای گرایش‌های سیاسی خاص و متعلق به احزاب مختلف است خود را معرفی می‌کنند و هر رای دهنده به یک فهرست رای می‌دهد، هر فهرستی که اکثریت آرا را به دست آورد در انتخابات برنده می‌شود.

انتخابات تکنام و فهرستی در نظام اکثریتی قابل اجرا هستند ولی در نظام تناسبی تنها انتخابات فهرستی می‌تواند اجرا گردد.

حال مطابق قانون انتخابات، اگر رای دهنده مجبور باشد بی کم و کاست و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف در نام‌های مندرج در فهرست انتخاباتی که توسط یک حزب یا گروه سیاسی معرفی می‌شود به یک فهرست کامل رای دهد آن روش را فهرست بسته گویند مانند آنچه که در فرانسه برای انتخابات شورای استان و سناتورها در شهرستان‌های دارای ۵ سناتور یا بیشتر وجود دارد. ولی در فهرست باز برای دادن آزادی انتخاب نمایندگان به رای دهندگان در برابر احزاب سیاسی که فهرست‌های انتخابات را تنظیم کرده‌اند، از دو شیوه استفاده می‌شود:

۱- رای ترجیحی - چنین رایی به رای دهنده توان تغییر ترتیب اولویت

داوطلبان حاضر در فهرست تنظیم شده توسط حزب را می‌دهد. بدین ترتیب که وی می‌تواند با گذاشتن علامت ضربدر جلوی نام برخی از نامزدها و خط زدن نام آنها، اولویت‌های انتخابی خود را بطور آزادانه مشخص نماید. از این راه وی می‌تواند داوطلبان مورد علاقه‌ی خود را در صدر فهرست قرار دهد و یا برعکس. در عمل، از این روش پیچیده کمتر استفاده می‌شود و ما آن را در کشورهای دانمارک، نروژ، فنلاند، هلند و ایتالیا می‌بینیم. ولی در رای ساده (simple vote)، رای دهنده مجبور است هنگام رای دادن ترتیب معرفی داوطلبان حاضر در فهرست را رعایت نماید (OLIVA, 2004, p. 73).

۲- **رای ترکیبی یا متنوع**- در این روش، انتخاب کننده نه با تغییر در درون یک فهرست بلکه با ترکیب کردن چندین فهرست انتخاباتی حاضر، حق تنظیم فهرست خاص خود را دارد. در فرانسه برای انتخابات شورای شهرها و روستاهای کمتر از ۲۵۰۰ نفر سکنه از این شیوه استفاده می‌شود. شایان گفتن است که در فهرست باز انتخابات جنبه‌ی شخصی می‌گیرد و از لحاظ اجرا و شمارش آرا، موجب پیچیدگی و کندشدن عملیات انتخاباتی است و این امر سبب می‌شود، بیشتر فهرست بسته رایج گردد که در آن رای دهنده حق هیچ‌گونه تغییر و جا به جایی نام‌های مندرج در فهرست را ندارد (موتنی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

ب- انتخابات یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای

در نظام انتخاباتی اکثریتی، تمایز اصلی در شمار مراحل انتخابات است. در این شیوه انتخابات ممکن است یک مرحله‌ای (با اکثریت ساده یا نسبی) یا دو مرحله‌ای (با اکثریت ویژه) باشد.

۱- انتخابات یک مرحله‌ای

در این انتخابات که ممکن است هم شامل انتخابات تک‌نام و هم انتخابات فهرستی گردد نامزد یا فهرستی که بیشترین آرا یا اکثریت نسبی آرا را به دست بیاورد به نمایندگی برگزیده می‌شود و صاحب کرسی یا کرسی‌های خالی می‌گردد (First past the post). بنابراین، در این روش، تنها به یک مرحله نیاز داریم زیرا که در همان مرحله نخست، یک نامزد یا یک فهرست انتخاب می‌شود.

انتخابات اکثریتی تک‌نام یک مرحله‌ای در چهل و هفت کشور جهان از جمله کشورهای آنگلو ساکسون همانند بریتانیا (برای انتخابات مجلس عوام و پارلمان اروپا به موجب قانون مصوب ۱۶ فوریه ۱۹۷۸)، ایالات متحده (برای انتخابات مجلس سنا)، اغلب ایالات شمالی کشور اخیر، کشورهای همسود (مشترک المنافع) همانند کانادا، استرالیا، زلاندنو، در شماری از کشورهای حوزه‌ی کاراییب در آمریکای لاتین از جمله در بلیز، در قاره‌ی آسیا در ژاپن، هند، میانمار، مالزی، نپال، در بسیاری از کشورهای کوچک اقیانوس آرام و در پانزده کشور آفریقایی که پیشتر مستعمره‌ی بریتانیا بودند دیده می‌شود (صدری، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

در ج. ا. ایران از انتخابات اکثریتی یک مرحله‌ای برای انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا استفاده می‌گردد.

انتخابات یک مرحله‌ای، ساده‌ترین نظام انتخاباتی ممکن است زیرا در این روش، برای به دست آوردن اکثریت آرا در مجلس کافی است تنها در مرحله‌ی نخست انتخابات برنده شد حتا با داشتن یک اکثریت ساده در حوزه‌های انتخاباتی.

برای نمونه اگر یک کشور دارای ۴۰۰ حوزه که هر یک دارای ۱۰۰۰ رای دهنده باشد برای برنده شدن کافی است که ۵۰۱ رای در ۲۰۱ حوزه به دست آورد هرچند که هیچ رایی در ۱۹۹ حوزه‌ی باقیمانده به دست نیاورده باشیم. حزب برنده، اکثریت کرسی‌های مجلس را دارا خواهد شد.

بنابراین، می‌توان در کشور در اقلیت بود ولی در مجلس در اکثریت. گاهگاهی چنین وضعیتی در بریتانیا پیش می‌آید. در این کشور چنین شرایطی در سال ۱۹۵۱ برای حزب محافظه کار و در سال ۱۹۷۴ برای حزب کارگر پدید آمد.

در اکتبر سال ۱۹۵۱:

حزب محافظه کار با ۱۳۷۱۳۰۰۰ رای (۴۸ درصد آرا) دارای ۳۱۲ کرسی برابر با ۵۱/۳۵ درصد مجموع کرسی‌های مجلس عوام گردید.

حزب کارگر با ۱۳۹۴۸۰۰۰ رای (۴۸/۸۰ درصد آرا) دارای ۲۹۵ کرسی برابر با ۴۷/۲۰ درصد مجموع کرسی‌های مجلس عوام شد.

در فوریه‌ی سال ۱۹۷۴:

حزب محافظه کار با ۱۱۸۵۷۰۰۰ رای (۳۸/۳۰ درصد آرا) دارای ۲۹۶ کرسی برابر با ۴۶/۶۰ درصد مجموع کرسی‌های مجلس عوام گردید.

حزب کارگر با ۱۱۶۵۴۰۰۰ رای (۳۷/۵۰ درصد آرا) دارای ۳۰۱ کرسی برابر با ۴۷/۴۰ درصد مجموع کرسی‌های مجلس عوام شد (PACTET, 2003, p. 100).

در سال ۱۹۹۲ نیز حزب محافظه کار ۵۱ درصد کرسی‌های مجلس را با کمتر از ۴۲ درصد آرای ریخته شده در صندوق آرا در این کشور به دست آورد.

۲- انتخابات دو مرحله‌ای

در این انتخابات، نامزد یا فهرستی در مرحله‌ی نخست انتخاب می‌شود که اکثریت یا درصد ویژه و معمولاً اکثریت مطلق آرای ریخته شده (یعنی نصف به اضافه‌ی یک آرای رای دهندگان) در صندوق را به دست آورده باشد. اگر هیچ نامزدی چنین اکثریتی را به دست نیاورد معمولاً در یک هفته بعد، انتخابات دوباره‌ای برگزار می‌شود و در مرحله‌ی دوم، نامزدی که بیشترین آرا (اکثریت ساده یا نسبی) را به دست آورد انتخاب خواهد شد. بنابراین، در اینجا قاعده‌ی بازی متفاوت از انتخابات یک مرحله‌ای است. در این روش، همه‌ی نامزدهای

مرحله‌ی نخست در مرحله‌ی دوم حضور ندارند. نامزدهای اخیر می‌توانند به میل خود ضمن درخواست از رای دهندگان خود به دادن رای به نامزد دیگر از انتخابات کناره‌گیری کنند یا این که به دلیل نیاوردن حداقل رای لازم و قانونی برای حضور در مرحله‌ی دوم مجبور به کناره‌گیری شوند. گفتنی است که نظام اکثریتی ویژه یا انتخابات دو مرحله‌ای برای بالاتر بردن مشروعیت نمایندگان اندیشیده شده است.

انتخابات دو مرحله‌ای در ایران برای انتخابات مجلس شورای اسلامی و در فرانسه برای انتخابات مجلس ملی به کار می‌رود. در کشور اخیر به موجب قانون مصوب ۱۹ ژوئیه‌ی سال ۱۹۷۶، نامزدهایی که در دور نخست دست کم ۱۲/۵ درصد آرا را به دست نیاورده باشند نمی‌توانند در مرحله‌ی دوم حضور داشته و رقابت نمایند. در دو کشور ایران و فرانسه نیز برای انتخاب رئیس جمهور از انتخابات اکثریتی مطلق دو مرحله‌ای استفاده می‌شود.

نظام دو مرحله‌ای افزون بر ایران و فرانسه برای انتخابات مجلس قانون‌گذاری در بیست کشور جهان استفاده می‌شود. کشورهای ملهم و متأثر از فرانسه همانند جمهوری آفریقای مرکزی، کنگو، گابن، موریتانی، مالی، توگو، مصر، جزایر قمر، هاییتی، ویتنام و در برخی جمهوری‌های تازه استقلال یافته‌ی بلاروس، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان و در برخی کشورها همانند گرجستان، قزاقستان و تاجیکستان به عنوان بخشی از نظام‌های انتخاباتی مختلط از این نظام استفاده می‌گردد (صدری، ص ۲۹).

در انتخابات تک‌نام دو مرحله‌ای، رای دهنده نامزد یا نامزدهای دلخواه خود را در مرحله‌ی نخست انتخاب می‌کند هر چند که وی یا آنها هیچ‌گونه شانس برنده شدن نداشته باشند. بدین ترتیب رای دهنده عقیده‌ی خود را بیان و پشتیبانی خود را از یکی از احزاب حاضر در انتخابات اعلام می‌نماید. ولی در صورتی که این نامزد یا نامزدها موفق به راهیابی به مرحله‌ی دوم نشدند معمولاً رای دهنده در این مرحله علیه کسی که به او کمتر علاقه دارد و عقاید او را نمی‌پسندد رای می‌دهد و کسی را برمی‌گزیند که خیلی از عقاید او فاصله ندارد. به همین دلیل است که یک ضرب المثل سنتی و عامیانه برگرفته از بیانات براک (Brak) (نماینده‌ی حزب سوسیالیست فرانسه در مجلس این کشور در آغاز سده بیستم)، می‌گوید «در مرحله‌ی نخست انتخاب می‌کنیم و در مرحله‌ی دوم، حذف» (DEBBASSCH, 2005, p. 55).

لازم به یادآوری است که انتخابات دو مرحله‌ای فقط در نظام اکثریتی اجرا می‌شود و در نظام تناسبی مرحله‌ی دومی برای انتخابات وجود ندارد.

گفتار دوم - نظام انتخاباتی تناسبی

نظام انتخاباتی تناسبی هم به لحاظ هدف و هم به لحاظ روش با نظام انتخاباتی اکثریتی متفاوت است. در این سامانه اصل بر این است که به هر حزب و گروه سیاسی حاضر در انتخابات به تناسب آرای که به دست آورده کرسی‌هایی داده شود، البته به شرط این که حداقل آرای لازم را کسب کرده باشد. هدف این سامانه، برقراری عدالت در امر نمایندگی و نمایاندن دقیق گرایش‌های سیاسی موجود در کشور است. همه ی احزاب حتا احزاب در اقلیت باید به نسبت آرایش‌شان دارای نماینده باشند. چنین انتخاباتی لزوماً و منحصرأ بر پایه نظام انتخاباتی فهرستی یک مرحله‌ای صورت می‌گیرد که امکان تقسیم کرسی‌ها میان نامزدهای اکثریت و اقلیت را می‌دهد. معمولاً عملیات انتخاباتی در چارچوب یک حوزه‌ی انتخاباتی وسیع که ممکن است سراسر سرزمین کشور را در برگیرد انجام می‌شود.

در این نظام انتخاباتی، در هر حوزه مردم باید چند نامزد را انتخاب کنند. بنابراین، هر حزب به تعداد کرسی‌های خالی هر حوزه، فهرست حاوی نامزدهای خود را معرفی می‌کند. ولی برخلاف انتخابات اکثریتی، فهرستی که بیشترین آرا را به دست بیاورد صاحب همه‌ی کرسی‌ها نمی‌شود، فهرست‌های دیگر نیز در صورت احراز حد نصاب لازم برای حضور در شمارش آرا دارای کرسی خواهند شد. فقط حزبی که بیشترین رای را آورده کرسی بیشتری به دست می‌آورد.

در این روش شمارش آرا کمی پیچیده است و اغلب مستلزم این است که در دو مرحله به این کار مبادرت شود. در مرحله‌ی نخست باید دید تقسیم کرسی‌های هر حوزه برای فهرست‌های مختلف بر پایه‌ی چه ضابطه‌ای صورت گیرد تا حقی از حزبی ضایع نشود (الف). در مرحله‌ی دوم باید تکلیف آرای باقی مانده‌ی هر فهرست و کرسی یا کرسی‌های خالی را معین کرد (ب).

الف - مرحله‌ی نخست شمارش نتایج یا تقسیم کرسی‌ها با توجه به شمار

آرای به دست آمده به کمک ضریب انتخاباتی

در مرحله‌ی نخست برای تقسیم کرسی‌های مجلس در یک حوزه‌ی انتخاباتی با توجه به شمار آرا از ضریب انتخاباتی که خود سه گونه است استفاده می‌شود. ضریب انتخاباتی ممکن است :

۱- ضریب حوزه‌ای باشد که با تقسیم شمار آرای ریخته شده در شمار کرسی‌های این حوزه به دست می‌آید. برای نمونه اگر در یک حوزه سه فهرست در انتخابات شرکت

کرده باشند هر فهرست به تعداد ضریب انتخاباتی، کرسی‌های آن حوزه را به دست می‌آورد.

۲- یا ضریب ثابت و یکسان که رقم معینی است که از پیش برای سراسر کشور به عنوان ضریب یک کرسی پارلمانی تعیین شده است. طبق این شیوه، هر فهرست به تعداد ضریب یاد شده، در مجلس کرسی به دست خواهد آورد.

۳- یا ضریب ملی که با تقسیم آرای ریخته شده در سطح کشور بر تعداد کل کرسی‌های کشور یا مجموع نمایندگان پارلمان محاسبه می‌گردد. برابر این روش، هر فهرست به تعداد ضریب ملی، در مجلس صاحب کرسی خواهد شد. از شیوه‌ی اخیر برای انتخابات پارلمان اروپا در فرانسه، دانمارک و هلند نیز استفاده می‌شود. در هر صورت، ضریب حد نصابی از آراست که هر فهرست برای کسب کرسی باید به دست آورد. بنابراین، تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به یک فهرست حاصل ضرب تقسیم شمار آرای یک فهرست بر ضریب انتخاباتی خواهد بود.

برای نمونه در یک حوزه‌ی دارای ۶ کرسی،

فهرست الف	۱۲۰۰۰۰ رای
فهرست ب	۴۵۰۰۰ رای
فهرست پ	۷۵۰۰۰۰ رای
فهرست ت	۶۰۰۰۰ رای به دست آورده‌اند.

مجموع آرای ریخته شده نیز ۳۰۰۰۰۰ رای است.

(ضریب انتخاباتی) $50000 = (6 \text{ کرسی‌های حوزه}) \div 300000$ (رای ریخته شده)

فهرست الف، ۲ کرسی خواهد داشت $(120000 \div 50000)$

فهرست ب، هیچ کرسی به دست نمی‌آورد

فهرست پ ۱ کرسی

فهرست ت ۱ کرسی.

می‌بینیم که نخستین شمارش نتایج نه برای پر شدن همه‌ی کرسی‌ها و نه برای بهره‌گیری از همه‌ی آرا بسنده نمی‌کند. بنابراین، لازم است به مرحله‌ی دوم شمارش نتایج پردازیم.

ب - مرحله‌ی دوم شمارش نتایج یا محاسبه‌ی آرای باقیمانده

شمارش آرای باقی مانده ممکن است در سطح ملی و کشوری صورت گیرد. در این صورت با تقسیم آرای باقیمانده‌ی حوزه‌ها بر کرسی‌های خالی، این کرسی‌ها میان احزاب تقسیم می‌گردند. این شیوه منجر به افزایش شمار احزاب سیاسی می‌گردد زیرا احزاب کوچکی

که امیدی به به دست آوردن کرسی در یک حوزه ندارند با گردآوری آرای محلی حوزه‌ها همیشه به تقسیم کرسی‌ها در سطح ملی امیدوار خواهند بود. همچنین موجب خواهد شد نامزدهایی انتخاب گردند که به طور واقعی به رای دهندگان معرفی نشده‌اند زیرا این نامزدها صرفاً در فهرست‌های ملی جای گرفته بودند.

اغلب شمارش آرا و تقسیم کرسی‌های باقی مانده در سطح حوزه‌ای یا محلی صورت می‌گیرد.

در این باره از دو شیوه برای تعیین تکلیف آرای باقی مانده استفاده می‌شود (رک قاضی، ۱۳۸۵، ص ۶۲۶ به بعد):

۱- روش بیشترین باقی مانده (De plus forts restes) عبارت است از اختصاص کرسی‌های باقی مانده به فهرست‌هایی که شمار بیشتری از آرای محاسبه نشده را دارا هستند.

در نمونه‌ی بالا، آرای باقی مانده عبارتند از:

$$\text{الف- } ۲۰۰۰۰ \text{ رای} = (۲ \times ۵۰۰۰۰) - ۱۲۰۰۰۰$$

$$\text{ب- } ۴۵۰۰۰ \text{ رای}$$

$$\text{پ- } ۲۵۰۰۰ \text{ رای} = (۱ \times ۵۰۰۰۰) - ۷۵۰۰۰$$

$$\text{ت- } ۱۰۰۰۰ \text{ رای} = (۱ \times ۵۰۰۰۰) - ۶۰۰۰۰$$

دو کرسی خالی وجود داشت. فهرست‌های ب و پ که بیشترین آرای باقیمانده را دارند هر کدام یک کرسی به دست می‌آورند. در مجموع فهرست الف دارای ۲ کرسی، فهرست ب دارای ۱ کرسی، فهرست پ دارای ۲ کرسی، فهرست ت دارای ۱ کرسی خواهند شد. می‌بینیم که این‌گونه انتخابات تناسبی کاملاً نسبی است زیرا که فهرست پ با ۷۵۰۰۰ رای دارای ۲ کرسی در حالی که فهرست ت با دارا بودن ۶۰۰۰۰ رای فقط ۱ کرسی خواهد داشت.

تقسیم آرا و کرسی‌های باقیمانده به روش بیشترین باقی مانده به سود احزاب سیاسی کوچک است که به رغم شمار آرای قابل ملاحظه به ضریب انتخاباتی دست نیافته‌اند.

۲- تقسیم آرا و کرسی‌ها برابر شیوه‌ی بالاترین میانگین (De plus fort moyen) عبارت از تقسیم آرای به دست آمده در هر فهرست بر تعداد کرسی‌های پر شده به اضافه‌ی یک می‌باشد. بدین ترتیب میانگین آرای هر فهرستی را که دارای یک کرسی شده به دست می‌آید و کرسی‌های خالی به فهرست‌هایی که بالاترین میانگین آرا را داشته باشند اختصاص داده می‌شود. در نمونه‌ی ما:

$$\text{میانگین فهرست الف- } ۴۰۰۰۰ = (۲ + ۱) \div ۱۲۰۰۰۰$$

$$\text{میانگین فهرست ب- } ۴۵۰۰۰ = (۰ + ۱) \div ۴۵۰۰۰$$

$$\text{میانگین فهرست پ- } ۳۲۵۰۰ = (۱ + ۱) \div ۷۵۰۰۰$$

میانگین فهرست ت- $30000 = (1 + 1) \div 60000$

فهرست های الف و ب دارای بالاترین میانگین هستند و هر یک یک کرسی به دست می‌آورند. نتایج پایانی شمارش آرا دین صورت خواهد بود:
فهرست الف، ۳ کرسی
فهرست ب، پ و ت هر کدام ۱ کرسی.

شیوه‌ی بالاترین میانگین که در بلژیک، هلند، اسپانیا، پرتغال، فنلاند، ایسلند، فرانسه (برای انتخابات شورای استان و سناتورها در شهرستانهای دارای ۵ سناتور یا بیشتر) و برخی دموکراسی‌های جدید اروپای شرقی (بلغارستان و رومانی) رایج است به سود احزاب سیاسی بزرگ می‌باشد و آنها را تقویت می‌کند (DEBBASCH, p. 56).

گفتار سوم - آثار و ویژگی‌های نظام‌های گوناگون انتخاباتی

هر یک از انواع نظام‌های انتخاباتی، انتخابات اکثریتی، انتخابات تکنام و فهرستی، انتخابات یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای، انتخابات تناسبی دارای آثار، مزایا و معایب خاص خود هستند و می‌توانند بر شمار و کنش احزاب سیاسی نیز تاثیر بگذارند که در اینجا به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

الف- انتخابات اکثریتی

۱- انتخابات تکنام و فهرستی

ویژگی اصلی انتخابات تکنام این است که معمولاً در حوزه‌های انتخاباتی کوچکی انجام می‌شود و نامزدهای انتخاباتی را به صورت تک تک رو در روی هم قرار می‌دهد و مبارزه‌ی انتخاباتی جنبه‌ی شخصی به خود می‌گیرد. هدف این‌گونه انتخابات تاکید بیشتر بر شخصیت نامزدهای انتخاباتی است. ژرژ کلمانسو نخست وزیر جمهوری سوم فرانسه این‌گونه انتخابات را به «مبارزه‌ی گلا دیاتورها» تشبیه می‌کرد (JACQUE, p. 37).

در انتخابات تکنام بهتر از انتخابات فهرستی رای دهندگان به جهت کوچکی حوزه‌ی انتخاباتی نامزدها را می‌شناسند و در نتیجه در انتخاب افراد دلخواه خود، دچار سردرگمی نمی‌شوند که بی شک خود یک حسن است. ولی ایراد آن در این است که رای دهنده بیشتر گرایش خواهد داشت که به شخصیت‌ها رای دهد تا دیدگاه‌ها و برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی. بعلاوه پس از انتخاب نماینده، نتیجه‌ی انتخابات تکنام سبب می‌شود که وکیل به نوعی وابسته به رای دهنده و نماینده‌ی حوزه‌ی انتخابیه‌ی خویش گردد و رفتارهای وی در راستای ارضای منافع محلی و خصوصی موکلان باشد تا منافع ملی و بدین ترتیب اصل

نماینده‌گی او از مجموع ملت آسیب می بیند. وی ممکن است به خاطر خدمات خود در محل در چندین دوره‌ی قانون‌گذاری به عنوان نماینده‌ی حوزه‌ی خود بطور بلا منازع انتخاب شود. حتا ممکن است به خود حق دهد که جانشین خود را نیز انتخاب نماید (ARDANT, 2004, p. 204).

در انتخابات فهرستی تاکید بیشتر بر حزب‌های سیاسی است که فهرست‌های نامزدها را تشکیل می‌دهند به نحوی که می‌توان گفت رای دهندگان به انتخاب احزاب سیاسی که برنده‌ی انتخابات می‌شوند رای می‌دهند و این احزاب نمایندگان را بر می‌گزینند. بنابراین در چنین انتخاباتی بیشتر مبارزه میان اندیشه‌ها و برنامه‌ها دیده می‌شود تا مبارزه میان اشخاص. در عوض ایراد انتخابات فهرستی در این است که چون حوزه‌ی انتخاباتی وسیع است و فهرست‌های انتخاباتی توسط احزاب تنظیم می‌گردد رای دهنده آزادی عمل نداشته و اغلب مجبور است به همه‌ی فهرست که معمولاً بسته است رای دهد که هیچ شناختی از آن ندارد. مساله‌ی دیگر این که این روش، نماینده را به طور افراطی به یک حزب سیاسی وابسته می‌نماید و حزب به جای نماینده تصمیم‌گیری می‌نماید.

۲- انتخابات یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای

انتخابات یک مرحله‌ای با حذف احزاب کوچک منجر به پایه‌ریزی یا تقویت و حفظ نظام دوحزبی می‌شود و اجازه نمی‌دهد که حزب سومی به قدرت دست یابد. مرحله‌ی واحد در انتخابات هر گونه امکان ائتلاف انتخاباتی را محدود می‌کند. در این شیوه، در سنجش آرا به نسبت کرسی‌ها، انتخابات یک اثر فزاینده (amplificateur) به همراه دارد بدین ترتیب که حزب اکثریت بیش از اندازه‌ی واقعی خود ولی احزاب اقلیت کمتر از آن نمایانده می‌شوند. همین امر سبب می‌گردد که احزاب ضعیف و در اقلیت فرصت معرفی و گسترش خود را نیابند. برای نمونه در انگلستان، در سال ۱۹۸۷ ائتلاف لیبرال‌ها و SPD با ۷۳۳۹۹۱۲ رای برابر با ۲۳ درصد آرای ابراز شده تنها شمار بسیار محدودی از کرسی‌های مجلس (۲۲ کرسی برابر با ۳/۵ درصد کرسی‌ها) را به دست آورد در حالی که حزب کارگر با ۱۰۰۲۹۷۷۸ رای برابر با ۳۱ درصد آرای ابراز شده ۲۲۹ کرسی در مجلس یعنی ده برابر بیشتر از احزاب یادشده را به دست آورد. در همین کشور در انتخابات ژوئن سال ۲۰۰۱ میانگین رای یک نماینده‌ی حزب کارگر ۲۵۹۹۹ رای، محافظه کار ۵۰۴۰۹ رای و لیبرال دموکرات ۹۲۶۷۷ رای بود (PACTET, p. 101). بنابراین، برای احزاب ضعیف داشتن امید رسیدن به قدرت دشوار است و نابرابری در نمایندگی به زیان این حزب تمام می‌شود.

چنین سامانه‌ای و وجود نظام دوحزبی اغلب منجر به ایجاد اکثریت‌های پارلمانی قوی و تک حزبی و وجود دولت‌های باثبات ناشی از این اکثریت می‌گردد. در تحکیم و اجرای مردمسالاری مفید و کارآمد است و به اکثریت وقت امکان تصمیم‌گیری و اجرای سریع سیاست‌ها، تصمیمات و برنامه‌های وی را می‌دهد.

ولی این نظام انتخاباتی عادلانه نیست و دلیل آن ساده است. برای به دست آوردن اکثریت در مجلس کافی است در انتخابات برنده شد حتی با داشتن یک اکثریت ساده در حوزه‌های انتخاباتی. بنابراین ممکن است میان شمار آرا و کرسی‌های به دست آمده تناسب چندانی وجود نداشته باشد. اقلیت نیز به نسبت اهمیت واقعی خود دارای نماینده نخواهد بود. به همین جهت در برخی از کشورها قانون‌گذاران کوشیده‌اند با دو مرحله‌ای کردن انتخابات، عیب انتخابات اکثریتی ساده را برطرف و عدالت توزیعی کرسی‌ها و پارلمان را برقرار سازند (موتنی، ص ۱۵۴).

به‌رغم معایب انتخابات اکثریتی یک مرحله‌ای، کشورهای آنگلوساکسون بسیار به آن علاقمندند و بر این باورند که انتخابات نباید موجب برگزیده شدن یک فرهنگستان بازتاب دهنده‌ی همه‌ی دیدگاه‌های سیاسی در کشور بلکه باید سبب تشکیل یک اکثریت همگن پارلمانی که از یک دولت پشتیبانی نماید گردد (PACTET, p. 100).

انتخابات دو مرحله‌ای دارای همان معایب انتخابات یک مرحله‌ای است ولی ممکن است نتایج انتخابات را اندکی اصلاح نماید. انتخابات دو مرحله‌ای همانند انتخابات یک مرحله‌ای بر شمار احزاب سیاسی آثار قابل ملاحظه‌ای ندارد. نظام چند حزبی استمرار می‌یابد زیرا هر حزبی می‌تواند شانس خود را در مرحله‌ی دوم بیازماید. با این وجود گرایش بسیاری به سوی دو قطبی شدن احزاب پدید می‌آید زیرا در مرحله‌ی دوم برای برنده شدن، ائتلاف‌ها و کناره‌گیری‌های دوسویه‌ی نامزدها گریز ناپذیر است. در فرانسه اغلب مرحله‌ی دوم انتخابات، دوئل میان راست و چپ است. با این وجود این، هنگامی که حزب جبهه‌ی ملی این کشور (Front national) حد نصاب ۱۲/۵ درصد آرا را به دست می‌آورد این دوئل به هم خورده سبب بروز مبارزه‌ی انتخاباتی میان سه حزب این کشور و در نهایت پیروزی نامزد چپ گرا می‌شود.

ب- انتخابات تناسبی

آثار نظام انتخابات تناسبی بسیار متفاوت از آثار نظام انتخابات اکثریتی است:

۱- انتخابات تناسبی عدم توازن میان آرا و کرسی‌ها و نابرابری‌ها در نمایندگی مردم تقریباً از میان می‌برد و به عدالت انتخاباتی نزدیک است. زیرا نسبت به انتخابات اکثریتی، انتخابات تناسبی نمایانگر بهتر افکار عمومی و گرایش‌های سیاسی مختلف کشور است. در این روش مجلس منتخب، بهتر همه‌ی گرایش‌های سیاسی موجود در کشور را نمایان می‌سازد و اصل

برابری و عدالت میان گرایش‌های سیاسی رعایت می‌گردد. انتخابات تناسبی همانند آیینی تمام‌نمای گرایش‌های موجود سیاسی در کشور است در حالی که انتخابات اکثریتی همانند یک کاریکاتور یا آیینی شکسته است که واقعیات سیاسی کشور را به خوبی نشان نمی‌دهد. زیرا در روش اخیر تنها گرایش سیاسی اکثریت بسیار بیشتر از اقلیت نمایانده می‌شود. آرای داوطلبان شکست خورده در انتخابات به حساب نمی‌آید و برخی از گرایش‌های سیاسی به نسبت قدرت خود در کشور در مجلس از جایگاه مناسب برخوردار نمی‌گردند. در فرانسه حزب کمونیست از سال ۱۹۵۸ و امروزه برای حزب جبهه‌ی ملی چنین وضعیتی دیده می‌شود.

۲- در انتخابات تناسبی به دلیل نبود مرحله‌ی دوم در انتخابات، تضمین مستحکمی برای درست کاری و صداقت در انتخابات وجود دارد. زیرا دیگر چانه‌زنی‌ها و کناره‌گیری‌ها به سود یکدیگر در مرحله‌ی دوم وجود نخواهد داشت.

۳- در انتخابات تناسبی، به سبب این که هر حزب سیاسی فارغ از شمار آرای آن می‌تواند امیدوار به داشتن نماینده‌ای در مجلس باشد منجر به افزایش شمار احزاب می‌گردد و موجب تعدیل این توقع می‌شود که برای به دست آوردن کرسی باید نصاب حداقلی از آرا وجود داشته باشد. مثلاً مجلس لهستان که اعضای آن مطابق این نظام انتخاباتی و بدون وجود یک نصاب حداقلی انتخاب می‌شدند دارای نمایندگانی از ۲۹ حزب سیاسی بود. در سال ۱۹۹۳ مجلس این کشور قانون اساسی را تغییر داد و حد نصاب معینی را برای دارا شدن کرسی در مجلس مقرر نمود.

۴- به دلایل یاد شده در انتخابات تناسبی، ائتلاف‌های انتخاباتی برای برنده شدن در انتخابات لازم نیست. برعکس، در هنگام انتخابات، احزابی که به لحاظ عقیدتی بیشتر به هم شبیهند گاه با یکدیگر بیشتر مخالفت می‌ورزند. از آنجایی که مخاطبان و رای دهندگان این احزاب یکی هستند این احزاب می‌کوشند نکات و موضوعاتی را برجسته کنند که آنها را از یکدیگر جدا می‌کند تا متحد می‌سازد (JACQUE, p. 37).

۵- یکی از اشکالات انتخابات تناسبی در این است که این شیوه حق حاکمیت و آزادی انتخاب را از مردم و رای دهندگان گرفته و آن را به احزاب منتقل می‌کند که رهبران خود را در صدر فهرست‌های انتخاباتی خویش قرار می‌دهند. در این روش، داوطلبان و نمایندگان نیز احساس می‌کنند که بیشتر پیرو دستگاه حزبی خود هستند تا رای دهندگان. نمایندگان در انجام وظیفه و اظهار نظر آزادی عمل نخواهند داشت و به اصطلاح نمایندگی آنها جنبه‌ی دستوری خواهد داشت. ابزار و نماد این امر، انضباط در رای دادن است و حزب عقاید خود را به آنها دیکته می‌کند. در صورت سرپیچی نمایندگان با تنبیه حزبی روبرو خواهند شد.

انتخابات تناسبی انسجام و انعطاف ناپذیری احزاب را تقویت میکند. انتخاب مجدد نمایندگان بیشتر بستگی به تعهد و وفاداری آنها به حزبشان بستگی دارد تا شایستگی‌های آنها.

۶- ایراد بزرگ انتخابات تناسبی افزون بر دشواری‌های فنی بسیار و پیچیدگی شمارش آرا در این روش، این است که با دادن فرصت به هر یک از احزاب حتی احزاب کوچک و فراهم آوردن امکان حضور آنها در مجلس منجر به تکثر احزاب می‌گردد. وجود شمار زیاد احزاب در مجلس ایجاد ائتلاف را برای تشکیل دولت پس از انتخابات ضروری می‌گرداند. این‌گونه دولت‌های ائتلافی همیشه پایدار نبوده و از کارآمدی لازم نیز برخوردار نیستند. بدین ترتیب این‌گونه انتخابات تشکیل اکثریتی قوی و یکپارچه در مجلس و دولت را دشوار ساخته و در نتیجه ناپایداری سیاسی و بی‌برنامگی را دامن می‌زند. با خروج احزاب از ائتلاف و نصاب شکنی (آبستراکسیون) آنان در مجلس نظام تناسبی در بیان اراده‌ی ملی ناتوان خواهد بود. یک مجلس پیش از آن که آیین‌ی تمام‌نمای گرایش‌های موجود سیاسی در کشور باشد باید نهادی برای حمایت و پشتیبانی از دولت باشد. مجلس منشعب و دارای افکار سیاسی بسیار متنوع، از داشتن چنین کارکردی ناتوان خواهد بود.

۷- برای پیروزی در انتخابات آینده هر حزب عضو ائتلاف موفقیت‌های دولت ائتلافی را به حساب خود و شکست‌های آن را به حساب دیگر احزاب عضو ائتلاف می‌گذارد. بدین ترتیب، برای رای دهندگان در انتخابات مشکل است مسئولیت‌ها و سوابق هر یک از احزاب را در یک دولت ائتلافی تشخیص دهند و ارزیابی نمایند.

۸- دستیابی به اکثریت لازم برای تشکیل دولت ائتلافی، سبب اهمیت یافتن برخی از احزاب کوچک سیاسی می‌شود. این احزاب به دلیل جایگاه مهمشان در عرصه‌ی سیاسی، تبدیل به نقطه اتکای اجتناب ناپذیری برای تشکیل هر دولت می‌گردند. در این صورت، این احزاب نقشی را ایفا می‌کنند که تناسبی با اکثریت پارلمانی آنها نداشته و در هر دولتی شرکت می‌جویند.

۹- به دلیل این که ائتلاف‌های انتخاباتی به ندرت شکل می‌گیرند و یا اگر به وجود آمدند در تشکیل دولت‌ها تاثیر اندکی دارند رای دهندگان احساس می‌کنند که در انتخاب اکثریت اعضای دولت از اختیار چندانی برخوردار نیستند.

به رغم معایب نظام انتخاباتی تناسبی، این سامانه رایج‌ترین الگو در کشورهای اروپای غربی (جز فرانسه و انگلیس)، اسکاندیناوی (نروژ، سوئد و فنلاند)، سوئیس، لیختن اشتاین، سنگال و کشورهای دارای نظام چندحزبی است. هرچند که این نظام منتهی به تشکیل دولت‌های ناپایدار در برخی از کشورها مانند ایتالیا شده ولی از راه اصلاحات جامعه‌شناختی و

اصلاح نهادها، معایب این نظام انتخاباتی محدود شده است.^۱ امروزه در بسیاری از موارد مثلاً در بلژیک پایداری دولت‌ها از راه بستن پیمانی درباره‌ی برنامه‌ها میان احزاب ائتلافی در دولت تضمین می‌شود (JACQUE, p. 42).

در فرانسه انتخابات تناسبی در دوره‌ی جمهوری سوم از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۷ و جمهوری چهارم از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ به کار گرفته شد ولی به عنوان یکی از دلایل بی‌ثباتی سیاسی بسیار مورد نکوهش قرار گرفت. از این سامانه در جمهوری پنجم صرفنظر شد و این کشور به انتخابات اکثریتی دو مرحله‌ای تا سال ۱۹۸۶ پایبند بود. در انتخابات مجلس در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۶ انتخابات تناسبی شهرستانی با شیوه‌ی بیشترین باقیمانده مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این، اکثریت موجود در مجلس پس از این انتخابات اعلام داشت که قصد برگشت به انتخابات اکثریتی دو مرحله‌ای را دارد (GEORGES, 1996, p. 24). قانون مصوب ۱۱ ژوئیه‌ی ۱۹۸۶ روش اخیر را برقرار و این سامانه در انتخابات مجلس ملی در سال‌های ۱۹۸۸، ۱۹۹۳، ۱۹۹۷، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ به کار گرفته شد.

در این کشور از انتخابات تناسبی برای انتخابات شورای استان و برگزیدن بخشی از سناتورها بهره می‌گیرند. بدین ترتیب که در شهرستان‌های دارای ۴ سناتور یا کمتر انتخاب آنها از راه نظام اکثریتی دو مرحله‌ای است. در عوض، در شهرستان‌های دارای ۵ سناتور یا بیشتر انتخابات تناسبی برگزار می‌گردد.

در آلمان برای انتخاب نمایندگان بوندستاگ (مجلس ملی) از هر دو روش اکثریتی و تناسبی بهره می‌گیرند.

کاره دومالبرگ، لئون دوگی، اسمن، ژرژ بوردو (BURDEAU, 1969, p. 284-285)، موريس دورژه (DUVEGER, 1982, p. 271-272) و ژنرال دوگل طرفدار نظام اکثریتی و هانس کلسن، ریمون آرون و فرانسوا لوشر مدافع نظام تناسبی به دلیل رعایت اصل برابری و عدالت درباره‌ی گرایش‌های مختلف سیاسی در شیوه‌ی اخیر می‌باشند (LECLERCQ, 1999, p. 191).

پ- تاثیر نظام‌های انتخاباتی بر شمار احزاب سیاسی

فعالیت و کارکرد نظام‌های سیاسی بستگی به ثبات اکثریت‌های پارلمانی دارد. این ثبات هم به شمار احزاب سیاسی وابسته است. نظام چند حزبی نیازمند ائتلاف‌های اغلب شکننده است، در حالی که نظام دو حزبی اصولاً منجر به ثبات اکثریت‌های پارلمانی می‌گردد.

۱. نظام انتخاباتی ایتالیا اکنون تغییر یافته و دارای نظام انتخاباتی آمیخته است.

Cf. MASCLET (J.-CL.), VALETTE (J.-P.), *Travaux dirigés de Droit constitutionnel*, Paris, Dalloz, 2007, p. 109.

درست است که شمار احزاب با توجه به گرایش‌ها و اختلافات موجود در جامعه تعیین می‌شود ولی همچنین زیر تاثیر نظام‌های انتخاباتی نیز می‌باشد. در این باره موریس دوورژه سه فورمول یا قانون جامعه شناختی ارائه می‌دهد (DUVERGER, 2002, p. 44):

- ۱- نظام انتخابات اکثریتی یک مرحله‌ای، باعث پیدایش نظام دو حزبی می‌گردد زیرا احزابی که به لحاظ عقیدتی به هم نزدیک هستند سود خود را در این می‌بینند که برای از میان نرفتن دور هم جمع شوند؛
- ۲- انتخابات تناسبی، منجر به پیدایش احزاب چندگانه که هر یک مستقل از دیگری هستند می‌گردد زیرا هر گرایش سیاسی هرچند در اقلیت، شانس داشتن نماینده در مجلس را دارد؛
- ۳- انتخابات اکثریتی دو مرحله‌ای، سبب پیدایش نظام چندحزبی می‌شود زیرا همه‌ی احزاب می‌توانند شانس خود را در مرحله‌ی نخست بیازمایند ولی اغلب در مرحله‌ی دوم مجبور به ائتلاف می‌گردند.

نتیجه

نظام انتخاباتی راهکار یک نظام سیاسی در چگونگی تعیین دولتمردان و نمایندگان مردم می‌باشد. این نظام قواعد بازی سیاسی را مشخص می‌کند و بر چگونگی مبارزات انتخاباتی، رفتارهای نخبگان سیاسی و احزاب کشور تاثیر می‌گذارد.

نظام انتخاباتی آرمانی نظامی است که به طور همزمان هم کارآمد باشد و هم عادلانه. کارآمد یعنی این که یک نظام امکان تشکیل اکثریت قوی در مجلس همراه با افزایش شمار نمایندگان حزب پیروز را بدهد تا این اکثریت دولت با ثباتی را تشکیل داده و در اجرای برنامه‌های آن همواره از آن پشتیبانی نماید. عادلانه بدین معنی که یک نظام امکان اختصاص شماری نماینده به هر یک از احزاب و گروه‌های سیاسی به تناسب شمار آرای آنها را بدهد و نمایانگر افکار عمومی و گرایش‌های سیاسی مختلف موجود در کشور باشد.

نظام اکثریتی کارآمد است ولی شیوه‌ای عادلانه نیست زیرا همان‌گونه که قبلاً خاطر نشان گردید به اقلیت فرصت داشتن نماینده به اندازه‌ی آرای خود را نمی‌دهد. همچنین این سامانه کاملاً و به خوبی نمایانگر افکار عمومی و عقاید رای دهندگان نمی‌باشد.

نظام تناسبی عادلانه است ولی کارآمد نمی‌باشد. این سامانه سبب حضور نمایندگان احزاب گوناگون در مجلس می‌شود و این امر ایجاد ائتلاف برای تشکیل دولت پس از انتخابات را ضروری می‌گرداند. چنین دولت‌های ائتلافی همیشه پایدار نبوده و از کارآمدی لازم نیز برخوردار نیستند. بدین ترتیب نظام انتخاباتی اخیر، تشکیل اکثریتی قوی و یکپارچه در مجلس

و دولت را دشوار ساخته و در نتیجه ناپایداری سیاسی و بی برنامه‌گی در همه‌ی امور را دامن می‌زند. با خروج احزاب از ائتلاف و نصاب شکنی (آبستراکسیون) آنان در مجلس، نظام تناسبی در بیان اراده‌ی ملی ناتوان خواهد بود.

معمولاً کشورها برحسب این که در امر انتخابات و نمایندگی کارآمدی و یا عدالت و انصاف انتخاباتی را مد نظر داشته باشند یکی از دو سامانه‌ی انتخاباتی اکثریتی و تناسبی بر می‌گزینند. همان‌گونه که دیدیم هر یک از دو نظام دارای معایبی است. به همین علت برخی از دولت‌ها این دو نظام انتخاباتی را در هم آمیخته و به سامانه‌ی انتخاباتی مختلط یا آمیخته روی آورده‌اند.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. صدری، علیرضا، (۱۳۸۵)، *تحلیل نظام‌های انتخاباتی بر اساس مشارکت اقشار مردم*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. طباطبایی مومنی، منوچهر، (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی*، میزان، تهران.
۳. قاضی سید ابوالفضل، (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، میزان، تهران.

ب- خارجی

- 1- ACQUAVIVA (J.-C.), (2005), *Droit constitutionnel et institutions politiques*, Paris, Gualino.
- 2-ARDANT (PH), (2004), *Institutions politiques et droit constitutionnel*, Paris, LGDJ.
- 3-ARON (R.), *Le Figaro*, 18 janvier 1973.
- 4- BURDEAU (G.), (1969), *Traité de science politique*, t. IV, Paris, L.G.D.J..
- 5- CHAGNOLLAUD (D.), (2005), *Droit constitutionnel contemporain*, t. 1, Paris, A. Colin.
- 6- DEBBASSCH (R.), (2005), *Droit constitutionnel*, Paris, Litec.
- 7- DUVEGER (M.), (1982), *La République des citoyens*, Paris, Ramsay.
- 8- DUVERGER (M.), (2002), *Les Partis politiques*, Paris, A. Colin.
- 9- GEORGES (PH.), (1996), *Droit public*, t. 1, Paris, Sirey.
- 10-GICQUEL (J.), (1987), *Droit constitutionnel et institutions politiques*, Paris, Montchrestien.
- 11- JACQUE (J.-P.), (2003), *Droit constitutionnel et institutions politiques*, Paris, Dalloz.
- 12- KENDIAL (M.-G.), STUART (A.), « *La loi du cube dans les élections britanniques* », *Revue française de sciences politiques*, 1952, p. 260-285.
- 13-LECLERCQ (C.), (1999), *Droit constitutionnel et institutions politiques*, Paris, Litec.
- 14- MASCLET (J.-CL.), VALETTE (J.-P.), (2007), *Travaux dirigés de Droit constitutionnel*, Paris, Dalloz.
- 15-OLIVA (E.), (2004), *Droit constitutionnel*, Paris, Dalloz.
- 16-PACTET (P.), (2003), *institutions politiques et droit constitutionnel*, Paris, A. Colin.
- 17- Représentation proportionnelle, *Pouvoirs*, n° 32, 1985.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«شیوه‌های بازنگری در قوانین اساسی»، سال ۱۳۸۶، شماره ۴. «بررسی روش‌های اعمال مردمسالاری مستقیم و نیمه مستقیم»، سال ۱۳۸۷، شماره ۲. «بررسی وظایف و اختیارات شوراهای شهر و روستا در فرانسه»، سال ۱۳۸۷، شماره ۴.